

# بیست و پنج سال پژوهش در روستاهای ایران

○ خیرآباد نامه  
○ موریو انو  
○ هاشم رجبزاده  
○ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷

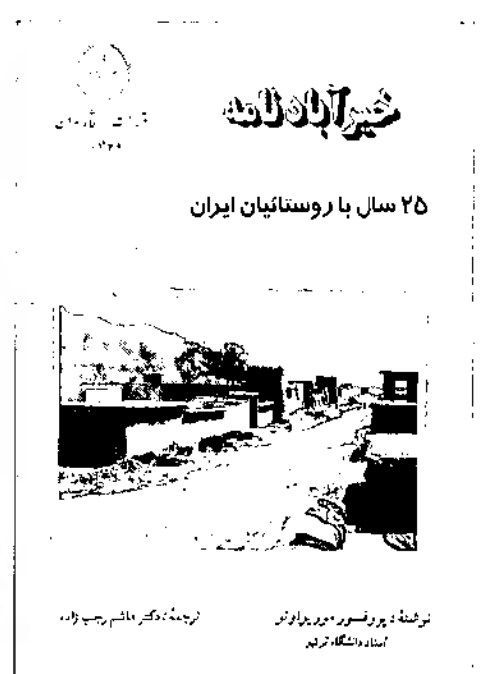
## ○ مهدی طالب

○ دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

در سال از همه کشورها بیشتر است. هنوز آنها روزهای شنبه را تعطیل نکرده‌اند. در دانشگاهی که کار می‌کردم شاهد خروج استادان از اطاق‌هایشان در ساعت ۱۱ و ۱۲ شب بودم. حتی عده‌ای از استادان شب را در اطاقشان و یا در مهمانسرای دانشگاه بیتوته می‌کردند و کمتر به خانه می‌رفتند. در ادارات و کارخانه‌ها نیز ساعت کار بهانه بود و تازمانی که رئیس و یا مسؤول واحد محل کار خود را ترک نمی‌کرد کسی کار را تعطیل نمی‌کرد. در حالی که در آن زمان با همه نظمی که در محیط کار حاکم بود نیمی از وقت را به صحبت کردن با یکدیگر می‌گذراندیم ...

روزی سرپرست بخش تحقیقات روستایی برای تکمیل طرحی مطالعاتی که با سازمان برنامه قراردادش را بسته بودند از دکتر انو خواست که مونوگرافی یکی از روستاهای نیشابور را انجام دهد. ایشان مشتاقانه پذیرفت. ولی مسافرتش به روستا و توقف در آن را مشروط به همراهی یکی از دانشجویانی کرد که در بخش مطالعات روستایی کار می‌کردند. کمتر همکاری حاضر به این کار بود. زیرا بهایی به وی و کارش نمی‌دادند و با او بودن را اتلاف وقت تلقی می‌کردند. من پذیرفتم. با این امید که از او بیاموزم و انصافاً از آن موقع به بعد همواره از او آموخته‌ام و بدون اینکه بخواهم، عملاً تحت تأثیر شیوه مطالعات وی قرار گرفته‌ام. او با شیوه مطالعه‌اش در خیرآباد نیشابور که بعداً توسط مؤسسه منتشر شد باب تازه‌ای را در مطالعات روستایی گشود. و شیوه او بعداً مورد استفاده محققان دیگر قرار گرفت. او مطالعات خود را در ایران ادامه داد. زبان فارسی را به خوبی فرا گرفت. پدر همسر ایشان (ری ایچی گامو) مدت‌ها قبل از وی به فراگیری زبان فارسی کوشیده بود و از کارهای مهم او ترجمه گلستان سعدی به زبان ژاپنی است. موریو انو علاقه‌مندی خود به ایران و زبان فارسی را احتمالاً از پروفیسور گامو فرا گرفته بود. وی مطالعات خود را در ایران، برزیل و ترکیه ادامه داد و از معدود جامعه‌شناسان

موریو انو Morio Ono را در دوره دانشجویی و در زمانی که هنوز پای به دهه سوم زندگی نگذاشته و دانشجوی سال اول علوم اجتماعی بودم، شناختم. او در آن زمان حدود ۴۰ سال سن داشت و برای گذراندن فرصت مطالعاتی خود به ایران آمده بود. دانشجویان فوق لیسانس و همکاران در بخش تحقیقات روستایی تمایل داشتند با او انگلیسی صحبت (تمرین) کنند و او اصرار داشت فارسی حرف بزند، همواره خنده‌ای بر لب داشت و با زحمت لطیفه‌ای را به فارسی چاشنی صحبتش می‌کرد. این خصوصیت موجب شده بود برخوردها با وی غیررسمی و حتی غالباً غیرجدی باشد. او در آن زمان مشغول یاد گرفتن فارسی بود و به همین دلیل نه تنها روزنامه‌ها را می‌خواند بلکه سعی داشت با دیگران فارسی صحبت کند. یکی از نکاتی که او مطرح کرده بود و مستمسک سر به سر گذاشتنش توسط دوستان و آشنایان شده بود، جمله‌ای بود که در تنها اطاق بخش تحقیقات روستایی نصب شده بود. (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در محل باغ نگارستان تأسیس شده بود و به لحاظ مکان در مضیقه بود، هر بخش تحقیقاتی معمولاً یک اطاق داشت و فعالیت تحقیقاتی نیز در بخش‌های مطالعات روستایی و عشایری، بخش مطالعات شهری، بخش مطالعات جمعیت‌شناسی و ... پررونق بود. در بخش تحقیقات روستایی حدود ۱۵ نفر دور یک میز کار می‌کردند.) در این جمله با خط خوش و درشت نوشته شده بود: «حرف نزنیم، کار کنیم». این جمله اثر عجیبی در او کرده بود و مرتب هر کس به او چیزی می‌گفت نوشته را نشان می‌داد و اگر در داخل اطاق نبود آن جمله را تکرار می‌کرد. آن موقع این جمله را و تکرار آن را نوعی شوخی و مستسکی برای خندیدن می‌دانستم. ولی سالها بعد زمانی که در آن کشور مشغول مطالعه بودم متوجه شدم او این جمله را به تمسخر گرفته بود. زیرا در ژاپن بدون اینکه در جایی تابلویی نصب شده باشد همه کار می‌کنند. در دنیا میزان کار ژاپنی‌ها



نوشته: پروفیسور موریو انو  
استاد دانشگاه تربیت مدرس، دکتر هاشم رجبزاده

## چکیده:

«خیرآباد نامه» که بخشی از مطالعات موریو انو، استاد ژاپنی ایران‌شناسی و فارسی‌بان را شامل می‌شود در زمینه شناخت جامعه روستایی ایران در نوع خود بی‌نظیر است. این مطالعه شامل مونوگرافی یکی از روستاهای نیشابور است که به درخواست مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران انجام شده است. انو در پژوهش خود زندگی روستاییان را همچون نمایش واقعی که صحنه‌اش، روستای خیرآباد است تصویر کرده و شخصیت و شیوه کار و اندیشه روستاییان را تشریح نموده است.

کتاب خیرآباد نامه، که بخشی از مطالعات پروفیسور موریو انو، استاد ژاپنی ایران‌شناس و فارسی‌بان را شامل می‌شود در مورد شناخت جامعه روستایی ایران و به ویژه رفتار اجتماعی روستاییان مطالعه‌ای در نوع خود بی‌نظیر است. برای معرفی این کتاب ارزنده که متأسفانه به خوبی در جامعه و نزد علاقه‌مندان علوم اجتماعی شناخته شده نیست نکاتی را یادآور می‌شوم. ولی قبل از آن لازم است توضیحی راجع به محقق و مترجم آن ندهم.

موریو انو با شیوه مطالعه‌اش در خیرآباد نیشابور، باب تازه‌ای را  
در مطالعات روستایی گشود

محقق، روستا را صحنه نمایش و خود و روستاییان را بازیگران این صحنه انگاشته و  
سعی کرده است به توصیف دقیق این صحنه بپردازد

روستایی است که مطالعات عمیقی را در این کشور  
انجام داده است.

او در این کتاب، شیوه‌ای بدیع برای ارائه بخشی  
از تحقیقات خود را برگزیده است. به این ترتیب که  
روستا را صحنه نمایش و خود و روستاییان را بازیگران  
این صحنه انگاشته و سعی کرده است به توصیف  
دقیق این صحنه در مدت بیست و پنج سال بپردازد.  
وی در مقدمه‌ای که برای چاپ فارسی این کتاب  
نگاشته است می‌نویسد: «... در آغاز برای تحقیق  
اجتماعی و مردم‌شناسانه در خیرآباد به این روستا  
رفتم. اما هر چه می‌گذشت و رابطه روستاییان آنجا و  
این نگارنده نزدیک‌تر و صمیمی‌تر می‌شد، در حقیقت  
از مقصود اصلی که مطالعه وضع ده و روستاییان بود،  
دور می‌شدم و احساس می‌کردم که می‌خواهم زندگی  
روستاییان را همچون نمایشی واقعی که صحنه‌اش  
روستای خیرآباد است ببینم، و شخصیت و شیوه کار  
و اندیشه هر یک از روستائینان را که بازیکنان این  
نمایش هستند تصویر و ترسیم کنم...»

مطالعات موریو انو در جامعه روستایی ایران  
متوجه ابعاد کاربردی است و زندگی اقتصادی و  
اجتماعی و سیاسی روستا و تغییرات مربوط را مد نظر  
دارد. او معتقد است که با مطالعه عمیق و دقیق یک  
روستا می‌توان به جریان‌های کلی حاکم بر حیات  
جامعه روستایی پی برد. او مطالعه‌اش را در یک روستا  
به حفر چاه عمیقی تشبیه می‌کند که برای شناسایی  
لایه‌های مختلف خاک، انجام می‌شود و اعتقاد دارد  
اگر روستایی را در یک کشور به گونه‌ای که مبین  
تنوع‌های جغرافیایی و فرهنگی و قومی باشند  
برگزینیم و مطالعات عمیقی در آنها انجام دهیم. نتایج  
مربوط تا حدود زیادی قابلیت تعمیم در سطح جامعه  
روستایی را دارد.

در ژاپن به سر می‌برد، استاد بخش فارسی و  
ایران‌شناسی دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا  
می‌باشد. وی این کتاب را که مورد توجه دانشجویانش  
دیده بود برای ترجمه، مناسب تشخیص داد و با کمک  
دانشجویان به تدریج به این مهم همت گماشت.

دکتر رجب‌زاده در مقدمه‌ای که بر این کتاب  
نوشته، آورده است: «پس از پایان گرفتن کار ترجمه  
و بازنویشتن گزارش فارسی، متن آماده شده را برای  
استادانو فرستادم و خواهش کردم که از نظر بگذرانند  
و اگر در جایی ابهام و یا دشواری یا نارسایی در تطبیق  
آن با اصل می‌یابند یادآور شوند. در اینجا مرحله  
تازه‌ای از کار ویراستاری آغاز شد، زیرا که ایشان با  
دقت نظر و وسواس خاص حاصل کار را سطر به سطر  
و کلمه به کلمه خواندند و سنجیدند و خواستند تا  
نکته‌ها و ابهام‌هایی را که می‌یابند با هم مرور کنیم...  
به این منظور با نوشتن و همراه داشتن فهرست نام  
کسان و جایها به فارسی و یادداشت‌های اصلی خود  
و نیز جدول‌ها و نمودارهایی که از حاصل تحقیق و  
به صورت جانبی تهیه کرده و در این کتاب نیاورده  
بودند، در دو سال گذشته بارها به اوساکا آمدند، و  
ویرایش تازه‌ای از ترجمه فارسی، از آغاز تا پایان، به  
اتفاق، انجام دادیم. بیراه نیست اگر گفته شود که کتاب  
حاضر در نهایت، ویراسته نویسنده گرامی آن یادست کم  
متنی است سراسر مرور و تصویب و تایید شده‌وی.»

قبل از چاپ کتاب به اتفاق پروفیسور انو و دکتر  
رجب‌زاده سفری به خیرآباد داشتیم. در این سفر  
کوشش در یافتن معادل فارسی واژه‌هایی بود که در  
متن کتاب آمده بود. مطالعه این کتاب به کلیه  
دانشجویان جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی توصیه  
می‌شود.

اسناد و مدارک تهیه شده از این روستا را در  
کتابخانه شخصی وی در ژاپن دیده‌ام. عکس و فیلم  
و یادداشت‌های تهیه شده در طول مطالعه در این  
روستا امکان هر نوع مطالعه اقتصادی و اجتماعی را  
فراهم می‌کند. وی تاکنون مقالات و کتاب‌هایی چند  
در مورد این مطالعه به زبان ژاپنی و انگلیسی منتشر  
کرده است.

پروفیسور انو در سال ۱۹۲۵ در توکیو در خانواده‌ای  
از نسل سامورایی به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۰،  
تحصیلات دانشگاهی در دانشکده علوم دانشگاه توکیو  
و در سال ۱۹۵۳ دانشکده اقتصاد آنجا را به پایان  
رسانید و چند سال بعد در بخش فرهنگ خاور آن  
دانشگاه سمت تدریس یافت. بعدها کرسی تحقیق  
مردم‌شناسی دانشگاه توکیو را عهده‌دار شد و سالها  
ریاست مؤسسه فرهنگ خاوری این دانشگاه را بر  
عهده داشت. در سال ۱۹۸۴ از دانشگاه توکیو با عنوان  
استادی ممتاز بازنشسته شد و به تأسیس دانشکده  
مطالعات خاوری در دانشگاه دایتو بونکلا در ایالت  
سایتاما همت گماشت. چند سالی ریاست این دانشکده  
را داشت و در ضمن به تحقیق در روستاهای ترکیه  
مشغول شد. وی در سال ۱۹۹۳ از این دانشگاه نیز  
بازنشسته شد و با فراغ بیشتری به کارهای پژوهشی  
خود ادامه داد. او هنوز ارتباط خود با روستاهای ایران  
و ترکیه را قطع نکرده و با وجود بیماری هر از گاهی  
رنج سفر بر خود هموار می‌سازد و به زندگی در روستاها  
و ادامه مطالعات خود می‌پردازد.

اصل این کتاب سال‌ها پیش به زبان ژاپنی توسط  
NHK (سازمان رادیو تلویزیون ژاپن) منتشر شده و  
ترجمه فارسی آن توسط دکتر هاشم رجب‌زاده صورت  
گرفته است.

دکتر رجب‌زاده که از نزدیک به سی سال پیش